



University of Tabriz

Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volum: 16 Issue: 40

Autumn 2025

Article Type: Research Article

Pages: 69-85

A Discussion on the Temporal Realm of the Implementation of Article 104 (Amended in 2024) of the Islamic Penal Code

Afsaneh Salamat Bavili¹ | Hossein Fakhr²

1. Master of Criminal Law and Criminology, University of Tabriz, Iran (Corresponding Author)

afsaneh74salamat@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Law, University of Tabriz, Iran

hfakhr@tabrizu.ac.ir

Abstract

A crime as a behavior that disrupts public order is considered unforgivable, according to the rule, due to the superiority of its public dignity over its private dignity, unless the law stipulates otherwise. According to that rule and judicial procedure, fraud (and its related crimes) and theft were among unforgivable crimes, which with the approval of two laws in 2020 and 2024 were first added to the realm of forgivable crimes based on the value of the proceeds of crime, but later returned to the number of unforgivable crimes. Irrespective of the causes of this expansion and contract hasty legal in the list of the forgivable crimes, its legal effects, when the crime is happen during the rule of the former law, and proceed during the rule of the later law, need to be investigated from aspects such as the amount of punishment, the manner of criminal prosecution, the inclusion of the passage of time and the problems and ambiguities that it creates in the judicial practice. The issue of the new law is either to intensify the punishment or to create more difficult conditions than before for the perpetrator, so it seems that it should be done in accordance with the ruling of Article 10 of the Islamic Penal Code. This article tries to briefly examine the issue of the new law, its legal effects, and the temporal scope of the implementation of this law compared to the previous crimes.

Keywords: *Unforgivable Crime, Forgivable Crime, Fraud, Theft, Ruling Law.*

Received: 2025/08/21

Received in revised form: 2025/11/20

Accepted: 2025/12/01

Published: 2025/12/11

DOI: 10.22034/LAW.2026.68739.3524

Publisher: University of Tabriz

law@tabrizu.ac.ir



بحثی در قلمرو زمانی اجرای ماده ۱۰۴ (اصلاحی ۱۴۰۳) قانون مجازات اسلامی

افسانه سلامت باویلی^۱ | حسین فخر^۲

afsaneh74salamat@gmail.com
hfakhr@tabrizu.ac.ir

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
۲. دانشیار گروه حقوق دانشگاه تبریز، ایران

چکیده

جرم به‌مثابه رفتار محل نظم عمومی بنا بر قاعده، به دلیل غلبه حیثیت عمومی آن بر حیثت خصوصی‌اش، غیرقابل گذشت محسوب می‌شود، مگر اینکه قانون برخلاف آن تصریح کرده باشد. کلاهبرداری (و جرایم ذیل آن) و سرقت‌های تعزیری نیز مطابق آن قاعده و رویه قضایی در زمره جرایم غیرقابل گذشت بودند که با تصویب دو قانون در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۳، ابتدا بر اساس ارزش مال عاید از جرم به‌طور نسبی به قلمرو جرایم قابل گذشت افزوده شدند، اما بعدها به شمار جرایم غیرقابل گذشت بازگشتند. صرف‌نظر از علل این بسط و قبض شتاب‌زده قانونی در سیاهه جرایم قابل گذشت، آثار قانونی آن، آنگاه که جرم در زمان حاکمیت قانون سابق واقع و در زمان حاکمیت قانون لاحق رسیدگی می‌شود، از جهاتی همانند میزان مجازات، چگونگی تعقیب کیفری، شمول مرور زمان و مشکلات و ابهاماتی که در مقام عمل قضایی ایجاد می‌کند، نیازمند بررسی است. آثار قانون جدید یا تشدید مجازات است و یا ایجاد شرایط سخت‌تر از گذشته به حال مرتکب؛ فلذا به‌نظر می‌رسد باید مطابق صدر ماده ۱۰ ق.م.ا (۱۳۹۲) عمل شود. نگارندگان این مقاله می‌کوشند، موضوع قانون جدید، آثار قانونی و قلمرو زمانی اجرای این قانون را نسبت به جرایم سابق بر وضع آن، به‌اجمال مورد بررسی قرار دهند.

واژگان کلیدی: جرم غیرقابل گذشت، جرم قابل گذشت، کلاهبرداری، سرقت، قانون حاکم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰

DOI: 10.22034/LAW.2026.68739.3524



law@tabrizu.ac.ir

ناشر: دانشگاه تبریز

مقدمه

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، در میان سایر قوانین کیفری نقطه عطف مهمی در سیاست جنایی ایران است که با هدف اصلی کاهش کیفر زندان وضع شد. کاربست بیش از حد مجازات حبس و وابستگی قابل توجه نظام کیفری ایران به کیفر سالب آزادی در دهه‌های اخیر، مشکل تراکم زندانیان را بیش از پیش آشکار نموده است. اوج‌گیری بیماری کرونا در آغازین روزهای سال ۱۳۹۹ و سرایت نگران‌کننده آن در محیط‌های بسته، محدود و آلوده زندان و نگرانی‌ها از چگونگی حفظ سلامت زندانیان در آن شرایط بسیار دشوار و دلهره‌آور، تصویب قانون یادشده را تسریع نمود. قانون موصوف راهکارهای گوناگونی را برای کاهش آمار زندانیان برگزید که گسترش سیاهه جرایم قابل گذشت از رهگذر اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، از جمله آنها بود. به این ترتیب، جرایمی همانند انتقال مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده نخست قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵ آذر ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) بیشتر نباشد (یعنی بیشتر از یک میلیارد ریال) و نیز کلیه جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود در صورت داشتن بزه‌دیده و سرقت موضوع مواد ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۱ و ۶۶۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۲ خرداد ۱۳۷۵ به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دو بیست میلیون ریال نبوده و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد، به جرایم قابل گذشت افزوده شدند. اما پس از گذشت ۴ سال در خرداد ۱۴۰۳ با اصلاح ماده ۱۰۴ (اصلاحی ۱۳۹۹) قانون مجازات اسلامی، جرایم یادشده دوباره غیر قابل گذشت^۱ اعلام شدند.

البته جرایم یادشده پیش از تصویب قانون کاهش مجازات نیز بر اساس قوانین موجود یا رویه قضایی جاری، غیر قابل گذشت به‌شمار می‌آمدند^۲. افزون بر این، همان‌گونه که در ماده ۱۰۳

۱. البته به استثنای مواردی که صور خاص کلاهبرداری در قوانین خاص قابل گذشت هستند، نظیر «کلاهبرداری در امور ثبتی»: ماده ۱۱۱ قانون ثبت اسناد و املاک اصلاحی ۱۳۱۲/۵/۷ مقرر می‌دارد: «در مورد مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ قانون مزبور تعقیب متهم موکول به شکایت مدعی خصوصی است».

۲. برای مثال، آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور در مورد جنبه عمومی و غیر قابل گذشت کلاهبرداری و سرقت: شماره ۵۲ تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۱ و شماره ۵۳۰ تاریخ ۱۳۶۸/۱۲/۲۷.

ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ آمده، با عدم تصریح قانون به قابل گذشت بودن، اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرم است. جرایم قابل گذشت، جرایمی هستند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است؛ درحالی که جرایم غیرقابل گذشت، جرایمی هستند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد^۳، اما اثر شکایت یا گذشت شاکی به آغاز یا ادامه رسیدگی کیفری محدود نیست، بلکه آثار متعدد دیگری را نیز از حیث حقوق ماهوی یا شکلی برجای می‌گذارد. در جرایم قابل گذشت، تعقیب کیفری با اعلام شکایت شاکی آغاز می‌شود و با اعلام گذشت او تا قبل از صدور حکم قطعی، قرار موقوفی تعقیب و بعد از صدور حکم محکومیت قطعی، قرار موقوفی اجرای مجازات صادر می‌گردد. اما در جرایم غیرقابل گذشت، تعقیب کیفری بدون نیاز به شکایت شاکی با ورود دادستان از لحاظ حیثیت عمومی جرم شروع می‌شود و گذشت شاکی مانع از استمرار تعقیب یا اجرای مجازات نیست، بلکه تنها، مسیر اعمال نهادهای ارفاقی را برای مرجع قضایی هموار می‌کند که نمونه‌های آن را در نهاد تخفیف مجازات^۴، تعویق صدور حکم^۵، تعلیق اجرای مجازات^۶، نظام نیمه‌آزادی^۷، نظام آزادی مشروط^۸ و مجازات‌های جایگزین حبس^۹ می‌توان ملاحظه کرد.

آنچه گفته شد، نشانگر نقش شاکی در فرایند کیفری و به تبع آن، اهمیت و آثار قابل گذشت بودن یا غیرقابل گذشت بودن جرم است. پس شایسته و بایسته است که مقنن در تفکیک آن دو گروه جرم از یکدیگر دقت لازم را مبذول دارد. با این حال، بسط و قبض سیاهه جرایم قابل گذشت در یک بازه زمانی کوتاه چهارساله (۱۳۹۹-۱۴۰۳) در قالب تغییر ماده ۱۰۴ ق.م.ا، نه فقط از لحاظ اصل ثبات قانون محل تأمل است، بلکه از لحاظ آثار این تغییرات پیاپی، جای بحث دارد. البته این نوشتار کوتاه، درصدد بررسی چالش‌های قابل گذشت بودن یا نبودن جرایم یادشده

۳. تبصره ۱ و ۲ ماده ۱۰۰ ق.م.ا (۱۳۹۲).

۴. بند «الف» ماده ۳۸ ق.م.ا.

۵. بند «الف» ماده ۴۰ ق.م.ا.

۶. ماده ۴۶ ق.م.ا.

۷. ماده ۵۷ ق.م.ا.

۸. بند «پ» ماده ۵۸ ق.م.ا.

۹. ماده ۶۴ ق.م.ا.

نیست، زیرا این مهم، پیش‌تر در ادبیات حقوقی موجود، کم و بیش مشاهده می‌شد^{۱۰}، بلکه هدف این نوشتار، بررسی موضوع جزئی‌تر «تعیین قانون حاکم» در مواردی است که جرمی در زمان حاکمیت قانون سابق ارتکاب می‌یابد، ولی در زمان حاکمیت قانون لاحق مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. فرض کنیم یک فقره جرم کلاهبرداری زیر یک میلیارد ریال یا سرقت زیر ۲۰۰ میلیون ریال در تاریخ اسفند ۱۴۰۲ ارتکاب یافته، در مرداد ۱۴۰۳ شکایت کیفری صورت گرفته و رسیدگی آغاز می‌شود. برای مثال، جرم هنگام ارتکاب، مشمول ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ و قابل گذشت بوده، ولی در زمان رسیدگی، مشمول ماده ۱۰۴ اصلاحی مصوب ۱۴۰۳ قانون مجازات اسلامی و غیرقابل گذشت است. سؤال ناشی از این وضعیت، آن است که آیا باید مرتکب به اعتبار وقوع جرم در زمان حاکمیت قانون سابق، مطابق با مقررات قانون سابق محاکمه و مجازات شود یا به اعتبار رسیدگی در زمان حاکمیت قانون لاحق، مطابق با مقررات قانون لاحق؟

۱. ماده ۱۰۴ (اصلاحی ۱۴۰۳) قانون مجازات اسلامی و آثار قانونی آن

در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی مصوب ۱۳۹۹ عبارت «و جرائم انتقال مال غیر و کلاهبرداری موضوع ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرطی که مبلغ آن از نصاب مقرر در ماده (۳۶) این قانون بیشتر نباشد و نیز کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود در صورت داشتن بزه‌دیده و سرقت موضوع مواد (۶۵۶)، (۶۵۷)، (۶۶۱) و (۶۶۵) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ به شرطی که ارزش مال مورد سرقت بیش از دویست میلیون (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال نباشد و سارق فاقد سابقه مؤثر کیفری باشد» حذف می‌شود.

جرم به‌مثابه رفتار مخل نظم عمومی بنابر قاعده، به دلیل غلبه حیثیت عمومی آن بر حیثیت

۱۰. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. غلامحسین کوشکی و روح‌اله زندی، «چالش‌های عملی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در رویه قضایی با تأکید بر بزه کلاهبرداری و سرقت»، حقوق کیفری، ش ۴۵ (۱۴۰۲).

خصوصی‌اش غیرقابل گذشت محسوب می‌شود، مگر اینکه قانون برخلاف آن تصریح کرده باشد. در واقع، «اساس جرم‌انگاری مبتنی بر نظم عمومی و دغدغه‌ها و نگرانی‌های جامعه است و جرم در ذات خود گذشت‌ناپذیر است»^{۱۱}. «هر جرمی به اعتبار جرم بودن خود، لزوماً حیثیت عمومی دارد، زیرا اگر چنین جنبه‌ای نداشت جرم تلقی نمی‌شد»^{۱۲}. «در تعریف جرم، همیشه حدی از ایراد ضرر بر نظم عمومی مستتر است؛ چراکه اگر این‌گونه نباشد، جرم‌انگاری امری لغو و خلاف مبانی حقوق کیفری فرض خواهد شد. حقوق کیفری به دنبال تضمین حقوق افراد نبوده، بلکه از رهگذر حفظ نظم یا اخلاق عمومی و به‌عنوان یک اثر تبعی ممکن است حقوق افراد را نیز تأمین نماید»^{۱۳}. با این اوصاف، موضوع قانون جدید^{۱۴} - که حذف جرایم انتقال مال غیر و کلاهبرداری (و جرایم ذیل آن) و سرقت‌های تعزیری از سیاهه جرایم قابل گذشت و غیرقابل گذشت نمودن آنهاست - به اساس جرم‌انگاری و ماهیت و اهمیت این جرایم باز می‌گردد؛ زیرا در جرایم غیرقابل گذشت به جهت ترجیح منافع عمومی جامعه بر منافع خصوصی اشخاص در تعقیب و سزادهی مرتکب، تعقیب کیفری بدون نیاز به شکایت شاکی با ورود دادستان از لحاظ حیثیت عمومی جرم، شروع می‌شود و گذشت شاکی مانع از استمرار تعقیب یا اجرای مجازات نیست، بلکه تنها، مسیر اعمال نهادهای ارفاقی را برای مرجع قضایی هموار می‌کند که نمونه‌های آن را در نهاد تخفیف مجازات، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه‌آزادی، نظام آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس می‌توان ملاحظه کرد.

درحالی که در جرایم قابل گذشت، تعقیب کیفری با اعلام شکایت شاکی آغاز می‌شود و با اعلام گذشت او تا قبل از صدور حکم قطعی، قرار موقوفی تعقیب و بعد از صدور حکم محکومیت قطعی، قرار موقوفی اجرای مجازات صادر می‌گردد. در این جرایم، اثر شکایت یا گذشت شاکی صرفاً به آغاز یا ادامه رسیدگی کیفری محدود نیست، بلکه آثار متعدد دیگری را نیز از حیث حقوق

۱۱. هادی رستمی و مهری برزگر، «کمینه‌گرایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹) و چالش‌های فراروی آن»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۱ (۱۴۰۱)، ص ۹۴.

۱۲. علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، (تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش، چ ۲۱، ۱۴۰۲)، ص ۴۰.

۱۳. سید سجاد، کاظمی و محمد کاکاوند، «مطالعه تطبیقی مفاهیم «قابل گذشت و غیرقابل گذشت» در حقوق کیفری عرفی با مفاهیم «حق‌الناس» در فقه امامیه»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۳۴ (۱۴۰۳)، ص ۲۴۹.

۱۴. در نوشتار حاضر منظور از قانون جدید: «قانون اصلاح ماده (۱۰۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۴۰۳» و منظور از قانون سابق: «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹» است.

ماهوی یا شکلی برجای می‌گذارد. تنصیف مجازات حبس^{۱۵}، ترک تعقیب^{۱۶}، رفع اثر تبعی^{۱۷}، شمول مرور زمان شکایت^{۱۸}، همگی مختص جرایم قابل گذشت هستند.

با توجه به مطالب یادشده و آثار قانونی متفاوتی که بر جرایم غیرقابل گذشت و جرایم قابل گذشت مترتب است، می‌توان آثار و تبعات قانون جدید را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱.۱. انتفای شمول مرور زمان^{۱۹} شکایت

«مرور زمان، عبارت است از گذشتن مدت زمانی از تاریخ وقوع جرم یا آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی و یا قطعیت حکم که پس از آن به موجب قانون شکایت در مرجع قضایی مسموع نیست و یا تعقیب و رسیدگی به دعوی و سرانجام اجرای مجازات منتفی است»^{۲۰}. مطابق ماده ۱۰۶ ق.م.ا (۱۳۹۲): «در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می‌شود». شمول مرور زمان شکایت مختص جرایم قابل گذشت است. با توجه به موضوع قانون جدید و در نتیجه حذف شمول مرور زمان شکایت، به نظر می‌رسد که قانون جدید وضعیتی سخت‌تر از گذشته را برای مرتکب ایجاد کرده است.

۲.۱. انتفای تنصیف حبس

واژه «تنصیف» در لغت به معنای نصف کردن یا دو نیم کردن است. این واژه در تبصره الحاقی به ماده ۱۰۴ ق.م.ا (اصلاحی ۱۳۹۹) به کار رفته است. مطابق تبصره یادشده: «حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد». همان‌طور که قابل ملاحظه است، تنصیف حبس مقرر در تبصره

۱۵. تبصره ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹.

۱۶. ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری.

۱۷. تبصره ۲ ماده ۲۵ ق.م.ا (۱۳۹۲).

۱۸. ماده ۱۰۶ ق.م.ا.

19. Lapse of Time.

۲۰. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۳، (تهران: میزان، چ ۲۷، ۱۴۰۲)، ص ۲۴۸.

پیش‌گفته مختص جرایم قابل گذشت با درجات تعزیر ۴ تا ۸ مقرر در قانون است و در جرایم غیرقابل گذشت اعمال نمی‌شود؛ لذا یکی دیگر از آثار قانون جدید، انتفای تنصیف حبس و در نتیجه تشدید مجازات حبس در جرایم کلاهبرداری و سرقت‌های تعزیری است.

۳.۱. محدودیت مداخله و اثر گذشت شاکی

همان‌طور که گفته شد، در جرایم قابل گذشت، تعقیب کیفری با اعلام شکایت شاکی آغاز می‌شود و با اعلام گذشت او تا قبل از صدور حکم قطعی، قرار موقوفی تعقیب و بعد از صدور حکم محکومیت قطعی، قرار موقوفی اجرای مجازات صادر می‌گردد که به اعتبار صدور قرار موقوفی اجرای مجازات، اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود. در این جرایم یکی از اختیارات شاکی مطابق ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری، درخواست صدور قرار ترک تعقیب تا قبل از صدور کیفرخواست است. یکی از تفاوت‌های قرار ترک تعقیب با قرار موقوفی تعقیب در این است که «قرار موقوفی تعقیب دارای اعتبار امر مختومه و قرار ترک تعقیب فاقد چنین اعتباری است»^۱؛ لذا شاکی می‌تواند مطابق قسمت آخر ماده یادشده، تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار و تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند، درحالی که در جرایم غیرقابل گذشت تعقیب کیفری بدون نیاز به شکایت شاکی با ورود دادستان از لحاظ حیثیت عمومی جرم شروع می‌شود و گذشت شاکی مانع از استمرار تعقیب یا اجرای مجازات نمی‌شود، بلکه تنها، مسیر اعمال نهادهای ارفاقی را برای مرجع قضایی هموار می‌کند. پس، محدودیت مداخله و اثر گذشت شاکی در جرایم کلاهبرداری و سرقت‌های تعزیری، یکی دیگر از آثار قانون جدید است که این موضوع برای مرتکب، ایجاد یک وضعیت سخت‌تر از گذشته تلقی می‌شود.

۲. قانون حاکم

موضوع قانون جدید و آثار قانونی آن سبب حدوث اختلاف نظر در مورد قلمرو زمانی اجرای قانون جدید نسبت به جرایم سابق بر وضع آن شده است. آنگاه که یکی از جرایم کلاهبرداری یا سرقت‌های تعزیری (قابل گذشت) در زمان حاکمیت قانون کاهش مجازات واقع و در زمان حاکمیت قانون جدید رسیدگی می‌شود، تشخیص قانون حاکم دشوار خواهد بود. سؤال ناشی از

۲۱. بهداد کامفر، دوره پیشرفته آیین دادرسی کیفری، (تهران: اندیشه نوین پژوهش، ج ۶، ۱۴۰۳)، ص ۱۰۲.

این وضعیت آن است که آیا باید مرتکب به اعتبار وقوع جرم در زمان حاکمیت قانون سابق، مطابق با مقررات قانون سابق محاکمه و مجازات بشود یا به اعتبار رسیدگی در زمان حاکمیت قانون لاحق، مطابق با مقررات قانون لاحق؟ آیا مقوله غیرقابل گذشت شدن جرایم کلاهبرداری و سرقت‌های تعزیری، به مقررات مربوط به شیوه دادرسی تعلق داشته، مشمول قاعده اجرای فوری قانون می‌شود یا مربوط به ماهیت و اهمیت این جرایم است و مشمول قاعده عطف به ماسبق نشدن قانون لاحق خواهد بود؟

بدیهی است که تعیین قانون حاکم، بستگی به این امر دارد که موضوع قانون جدید، یعنی مقوله غیرقابل گذشت شدن جرایم یادشده را چگونه تفسیر کرده، تابع کدام قاعده بدانیم. در این زمینه دو دیدگاه مخالف با یکدیگر وجود دارد که هر کدام از آنها استدلال‌های خاص خود را دارند: طرفداران دیدگاه نخست قائل بر این هستند که غیرقابل گذشت شدن جرایم یادشده، مقوله‌ای است که به مقررات مربوط به شیوه دادرسی تعلق دارد و مطابق بند «پ» ماده ۱۱ ق.م.ا (۱۳۹۲) تابع قاعده اجرای فوری قانون لاحق نسبت به جرایم سابق بر وضع آن است. ولی طرفداران دیدگاه دوم معتقدند که غیرقابل گذشت شدن جرایم نامبرده، مقوله‌ای است که به اساس جرم‌انگاری و ماهیت و اهمیت این جرایم تعلق داشته، تابع حکم صدر ماده ۱۰ ق.م.ا (۱۳۹۲) است. البته استدلال طرفداران هریک از این دیدگاه‌ها، نقش بسیار مهمی در تشخیص قانون حاکم در فرض مطروحه سؤال دارد. زیرا اگر استدلال طرفداران دیدگاه نخست پذیرفته شود، قانون لاحق به‌عنوان قانون حاکم تعیین و اعمال می‌گردد و استثنائاً فقط در خصوص تعیین کیفر، مطابق با مقررات قانون زمان ارتکاب جرم عمل می‌شود؛ ولی اگر استدلال طرفداران دیدگاه دوم پذیرفته شود، قانون زمان ارتکاب جرم به‌عنوان قانون حاکم تعیین و اعمال می‌شود.

۱.۲. استدلال طرفداران دیدگاه نخست

با تصویب قانون جدید، قاعده این است: «همین که قانون قابل اجرا شود بر تمام وقایع حکومت می‌کند. از این پس اعتبار قانون سابق از بین می‌رود، و برای تنظیم روابط حقوقی، تنها مرجع حاکم، قانون جدید است»^{۲۲}. مطابق ماده ۴ قانون مدنی: «اثر قانون نسبت به آتیه است و

۲۲. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۸۹، ۱۳۹۲)، ص ۲۳۴.

قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد». با عنایت به ظاهر ماده یادشده، تکلیف یک گروه از وقایع نامعلوم به نظر می‌رسد؛ یعنی چنانچه وقایعی در زمان حاکمیت قانون سابق واقع و در زمان حاکمیت قانون لاحق رسیدگی شوند، بحث تعارض قانون لاحق با قانون سابق مطرح می‌شود که چه‌بسا در این موارد تشخیص قانون حاکم دشوار و محل نزاع خواهد بود. زیرا برخی اعتقاد دارند چون جرم در زمان قانون سابق واقع شده است باید مطابق با مقررات قانون زمان وقوع، محاکمه و مجازات شود؛ در مقابل، برخی دیگر بر این باورند که چون قانون سابق نسخ شده است و دادرسی در حاکمیت قانون جدید انجام می‌گیرد باید مطابق با مقررات قانون جدید محاکمه و مجازات بشود.

یکی از شیوه‌ها جهت حل تعارض قوانین، شیوه «تمییز نوعی رویدادهای گذشته» است که به کمک آن، قانون حاکم تشخیص داده می‌شود. «پایه‌گذار این شیوه در فرانسه «روبیه»^{۲۳} است که در آن با ملاحظه عناصر تشکیل‌دهنده و آثار هر واقعه، باید تشخیص داد که در چه زمانی کامل شده و در آن زمان کدام قانون اعتبار داشته است؟»^{۲۴}؛ یعنی در شرایط تعارض قوانین، «زمان تکامل» عناصر تشکیل‌دهنده و آثار هر واقعه تعیین‌کننده قانون حاکم بر آن است. در این روش، پدیده‌های حقوقی به دو گروه: ۱- پدیده‌های انجام‌شده و ۲- پدیده‌های در حال جریان، تقسیم می‌شوند.

پدیده‌های حقوقی در حالت تمام خود، تحت تابعیت قانون جدید نخواهند بود؛ ولی «پدیده‌های حقوقی در حالت ناتمام خود تابع قانون جدید قرار می‌گیرند، زیرا اثر فوری قانون و حکومت انحصاری آن بر آینده اقتضا دارد که قاعده نو همه روابط را (غیر از آنچه در گذشته به‌طور کامل ایجاد شده است) اداره کند»^{۲۵}. در امور کیفری نیز مطابق بندهای «پ» و «ت» ماده ۱۱ ق.م.ا (۱۳۹۲)، مقررات مربوط به شیوه دادرسی و مرور زمان در صورتی که به‌موجب قانون لاحق تغییر یافته باشد، نسبت به جرایم سابق بر وضع آن (که در جریان رسیدگی‌اند)، فوراً اجرا می‌شود.

23. Roubier

۲۴. ناصر، کاتوزیان، پیشین، ص ۲۴۰.

۲۵. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۲۴۱ و ۲۴۲.

همان‌طور که گفته شد، به محض اجرای قانون جدید، قانون قدیم نسخ می‌شود و اعتبار خود را از دست می‌دهد. حال اگر بگوییم پدیده‌هایی که در زمان قانون سابق واقع شده‌اند و در زمان قانون لاحق مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، تابع قانون سابق (قانون زمان وقوع) خواهند بود؛ یعنی این موضوع را پذیرفته‌ایم که با وجود تصویب و اجرای قانون جدید هنوز قائل به اعتبار قانون سابق هستیم، درحالی که این امر به نوعی نقض غرض است، چون قانون جدید آخرین اراده قانون‌گذار متناسب با نیازهای اجتماعی است و اگر قرار باشد قانون سابق پس از نسخ همواره اعتبار داشته باشد و بر وقایع حکومت کند، قانون حاکم بر وقایع گذشته و آینده مختلف می‌شود و چنین امری مغایر با اصل تساوی اشخاص در برابر قانون در موقعیت‌های یکسان است. «نویسندگان حقوقی، حکومت قانون بر تمام امور آینده را به «اثر فوری قانون» تعبیر کرده‌اند»^{۲۶}. اثر فوری قانون اقتضا می‌کند که قانون جدید بر تمام وقایع غیر از آنچه در گذشته به‌طور کامل ایجاد شده است، حکومت نماید؛ یعنی هم بر وقایع آینده و هم بر وقایعی که در زمان حاکمیت قانون قدیم ایجاد شده و در زمان حاکمیت قانون جدید در جریان رسیدگی است (پدیده‌های در حال جریان) حکومت نماید. البته، «در امور کیفری به جهت حاکمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها یک رفتار صرفاً از حیث جرم بودن و شدت مجازات تابع قانون حاکم در زمان ارتکاب آن است»^{۲۷} و این امر یک استثنا بر مطلب یادشده خواهد بود.

نمونه‌ای از استدلال‌های این گروه به شرح زیر است:

- «گاه قانونی مثل قانون اصلاح ماده ۱۰۴ دو جنبه دارد؛ در اینصورت در مورد هر جنبه از آن مطابق قاعده مربوط به خود عمل می‌شود. موضوع قانون جدید «گذشت شاکی» و حکم آن «بی‌تأثیری در فرایند کیفری» است. این جنبه، مربوط به شیوه رسیدگی است و طبق بند پ ماده ۱۱ ق.م.ا. ق. فوراً اجرا می‌شود اما جنبه دیگر این قانون، حذف تصنیف مجازات حبس و در نتیجه تشدید مجازات است. این جنبه، تابع قاعده «عطف بماسبق نشدن قانون» است»^{۲۸}. مطابق این استدلال، از تاریخ اجرای قانون جدید، جرایم

۲۶. ناصر کاتوزیان، پیشین، ص ۲۳۰.

۲۷. علی خالقی، یادداشت درباره زمان اثر قانون اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، به آدرس الکترونیک <https://www.ekhtebarebar.ir/?p=97822>

۲۸. علی خالقی، یادداشت درباره زمان اثر قانون اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، به آدرس الکترونیک <https://www.ekhtebarebar.ir/?p=97822>

کلاهبرداری و سرقت‌های تعزیری، غیرقابل گذشت می‌شوند و مطابق قاعده اجرای فوری قانون، جرایمی که در حاکمیت قانون سابق واقع و در حاکمیت قانون جدید در حال رسیدگی باشند نیز غیرقابل گذشت محسوب شده، آثار جرایم غیرقابل گذشت بر آنها مترتب می‌گردد؛ یعنی اثر گذشت شاکی، به اعمال نهادهای ارفاقی منحصر می‌شود. شمول مرور زمان شکایت نیز در صورتی که از زمان اطلاع شاکی از وقوع جرم تا اجرای قانون جدید یک سال سپری نشده باشد به جهت اجرای فوری مقررات مربوط به مرور زمان مطابق بند «ت» ماده ۱۱ ق.م.ا (۱۳۹۲) منتفی شده، دیگر شاکی با محدودیت یک‌ساله برای طرح شکایت مواجه نیست و حتی بدون نیاز به شکایت شاکی نیز جرایم یادشده قابل تعقیب خواهند بود. اگرچه قانون جدید مشدده است و حقوق مکتسبه متهم را محدود می‌کند، ولی «ارتکاب جرم در زمان حاکمیت قانون سابق، حق مکتسبی از این لحاظ برای مرتکبان آنها ایجاد نمی‌کند». قانون جدید صرفاً از جهت اینکه مجازات را با حذف کردن تنصیف، تشدید می‌نماید، نسبت به جرایم سابق بر وضع این قانون معطوف نخواهد شد؛ زیرا یک رفتار از حیث جرم بودن و شدت مجازات، تابع قانون زمان ارتکاب آن است.

- «غیرقابل گذشت بودن جرایم مقوله‌ای است که مربوط به شیوه دادرسی بوده، مطابق بند «پ» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲... نسبت به جرایم سابق بر وضع قانون فوراً اجرا می‌شود»^{۲۹}.

۲.۲. استدلال طرف‌داران دیدگاه دوم

همان‌طور که پیش‌تر نیز مطرح شد، اساس جرم‌انگاری مبتنی بر نظم عمومی و دغدغه‌ها و نگرانی‌های جامعه است و جرم به‌مثابه یک رفتار مخل نظم عمومی در ذات خود گذشت‌ناپذیر است. موضوع قانون جدید به اساس جرم‌انگاری و اهمیت و ماهیت این جرایم باز می‌گردد و مقررات قانون یادشده، دارای ویژگی یا حداقل اثر ماهیتی است. «قوانین ماهیتی، عموماً ناظر به تعریف و توصیف رفتار مجرمانه و مشتمل بر حکم قانونی راجع به میزان مجازات و تخفیف و تشدید و تعلیق و تبدیل مجازات و مانند آن است. اصل بر این است که قوانین ماهیتی عطف

۲۹. جعفر فراست، سریع‌خوان شرح کاربردی ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، (تهران: مشاهیر دانش، ج ۱، ۱۴۰۴)، ص ۸۹.

بماسبق نمی‌شوند. بنابراین، هرگاه رفتاری در حین وقوع مجازات باشد و بعداً جرم شناخته شود، مجازات نخواهد شد. همچنین، پس از وقوع جرم کیفر قانونی آن تشدید گردد، این شدت نسبت به آن جرم بی‌تأثیر است»^{۳۰}. بنابر قاعده «عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری ماهوی» که یکی از آثار «اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها» است، اصولاً رسیدگی به جرم، تابع قانون زمان ارتکاب آن است و عطف به ماسبق شدن^{۳۱} قوانین مساعد به حال متهم و همچنین اجرای فوری قانون نسبت به جرایم سابق بر وضع آن، استثنایی بر قاعده اصلی است. با توجه به آنکه «مقررات این ماده واحده یا تشدید مجازات و یا ایجاد وضعیت سخت‌تر از گذشته به حال مرتکب جرم است؛ بنابراین مشمول صدر ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی است. مقرراتی که دارای ویژگی یا حداقل اثر ماهیتی هستند یعنی مؤثر بر حقوق اصحاب دعوی است و از طرفی گرچه بالقوه حقوق مکتسبه وی را محدود یا نفی می‌کند، از شمول «مقررات شیوه دادرسی» خروج موضوعی دارند»^{۳۲}. نظریه مشورتی صادره از اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید این مطلب است: «مواردی که قانون فوراً اجرا می‌شود در ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی احصاء شده است و غیرقابل گذشت محسوب شدن یک جرم از شمول این مقررات خروج موضوعی دارد؛ زیرا در بند «پ» آن ماده به «شیوه دادرسی» یعنی مقررات شکلی مربوط به نحوه دادرسی اشاره شده است

۳۰. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، (تهران: میزان، چ ۳۸، ۱۳۹۳)، ص ۲۳۱.

۳۱. تاریخ نظریه: ۱۳۹۹/۹/۲۶

شماره نظریه: ۱۳۶۱/۹۹/۷

شماره پرونده: ۱۳۶۱-۳/۱۸۶-۹۹ ک

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

۲) در فرض استعلام که تعقیب جرم غیر قابل گذشت صرفاً با اعلام جرم و بدون طرح شکایت از سوی شاکی خصوصی آغاز و نهایتاً رأی قطعی صادر شده و حکم در حال اجراء است و متعاقباً مطابق ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹، این جرم «غیر قابل گذشت» به «جرم قابل گذشت» تبدیل شده است، از موارد شمول ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است و قاضی اجرای احکام قرار موقوفی اجرای حکم صادر می‌کند.

برای مطالعه بیشتر در مورد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، رک. فتیلی، صادق؛ قدیری بهرام‌آبادی، رشید؛ صادق‌نژاد نائینی، مجید؛ و نقدی دور باطنی، مریم، «توسعه جرایم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس های تعزیری: بررسی کاربردی چالش‌ها و دستاوردها»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ش ۱۸ (۱۴۰۰).

۳۲. جواد طهماسبی، نکاتی پیرامون ماده واحده اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، به آدرس الکترونیک:

<https://www.mizanonline.ir/fa/news/4782567>

و نه شرایط تعقیب»^{۳۳}.

اجرای فوری قانون به موارد احصاشده در بندهای ماده ۱۱ ق.م.ا (۱۳۹۲) منحصر است. قانون جدید به دلیل اینکه با هیچ‌یک از بندهای ماده ۱۱ ق.م.ا (۱۳۹۲) مطابقت ندارد، مشمول قاعده اجرای فوری قانون نیست. درست است که در بخش آثار و تبعات قانون اصلاح ماده ۱۰۴ ق.م.ا (۱۴۰۳)، حذفِ شمولِ مرور زمان شکایت به‌عنوان یکی از آثار آن شناخته شده است، اما «این ماده واحده به خودی خود و ماهیتاً «قانون مربوط به مرور زمان» محسوب نمی‌شود تا از مصادیق بند (ت) ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی باشد»^{۳۴} و نسبت به جرایم سابق بر وضع آن فوراً اجرا گردد.

مطابق استدلال طرف‌داران دیدگاه دوم که از نظر نگارندگان مقاله نیز این دیدگاه نزدیک به صواب است، جرایم کلاهبرداری و سرقت‌های تعزیری قابل گذشتی که در زمان حاکمیت قانون سابق واقع و در زمان حاکمیت قانون جدید رسیدگی می‌شود، همچنان قابل گذشت هستند و تمام آثار جرایم قابل گذشت بر آنها مترتب بوده، مطابق مقررات قانون زمان وقوع (قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) محاکمه و مجازات خواهند شد.

۳۳. تاریخ نظریه: ۱۴۰۴/۱۰/۱۷

شماره نظریه: ۷۵۲/۱۴۰۳/۷

شماره پرونده: ۱۴۰۳-۱/۱۸۶-۷۵۲ک

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه:

-«نخست، به موجب ماده ۴ قانون مدنی اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد. در مقررات کیفری نیز با توجه به صدر ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و لحاظ اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل بر عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری است. این امر در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی (اصلاحی ۱۴۰۳) نیز مصداق دارد. از سوی دیگر، مواردی که قانون فوراً اجرا می‌شود در ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی احصاء شده است و غیر قابل گذشت محسوب شدن یک جرم از شمول این مقررات خروج موضوعی دارد؛ زیرا در بند «پ» آن ماده به «شیوه دادرسی» یعنی مقررات شکلی مربوط به نحوه دادرسی اشاره شده است و نه شرایط تعقیب؛ همانند قابل گذشت یا غیر قابل گذشت بودن جرم که نتیجه آن، اعمال مجازات در مورد متهمانی است که جرم ارتكابی آنان در زمان وقوع، قابل گذشت محسوب شده است؛ همچنین با تکیه بر اصل تفسیر به نفع متهم و اصل حداقلی بودن حقوق کیفری، نمی‌توان مقررات این قانون را نسبت به جرایم پیش از وضع آن تسری داد؛ به‌ویژه آنکه، این قانون به عنوان قانون لاحق نسبت به قانون سابق، قانون اشد محسوب می‌شود؛ زیرا جرایم مذکور در آن، از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون، غیر قابل گذشت محسوب و مجازات‌های حبس این جرایم نیز با توجه به خروج از شمول تقلیل مجازات حبس موضوع تبصره الحاقی ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، تشدید یافته‌اند؛ بنابراین، با گذشت شاکی نسبت به جرایمی که پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون لاحق واقع شده‌اند و به موجب قانون زمان ارتكاب جرم، قابل گذشت بودند، تعقیب آنها موقوف خواهد شد.»

۳۴. جواد، طهماسبی، نکاتی پیرامون ماده واحده اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، به آدرس الکترونیک:

<https://www.mizanonline.ir/fa/news/4782567>

نتیجه

۱- اساس جرم‌انگاری مبتنی بر نظم عمومی، دغدغه‌ها و نگرانی‌های جامعه است و جرم به‌مثابه یک رفتار مخل نظم عمومی و دارای حیثیت عمومی، در ذات خود گذشت‌ناپذیر است. موضوع قانون جدید که غیرقابل گذشت نمودن کلاهبرداری (و جرایم ذیل آن) و سرقت‌های تعزیری است، به اساس جرم‌انگاری، ماهیت و اهمیت این جرایم باز می‌گردد. مقرراتی که دارای ویژگی یا حداقل اثر ماهیتی هستند، از شمول مقررات مربوط به شیوه دادرسی (بند «پ» ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) خروج موضوعی دارند؛ زیرا قوانین ماهوی ناظر بر ماهیت یک رفتار و کیفیت مجازات هستند و اصولاً نسبت به جرایم سابق بر وضع آن معطوف نمی‌گردند؛ مگر مساعد به حال متهم باشند. و از آنجا که آثار قانون جدید، تشدید مجازات یا ایجاد وضعیتی سخت‌تر از گذشته به حال مرتکب است، بنابراین، آنگاه که یکی از جرایم کلاهبرداری یا سرقت‌های تعزیری (قابل گذشت) در زمان حاکمیت قانون سابق واقع و در زمان حاکمیت قانون لاحق رسیدگی می‌شود، قانون زمان وقوع جرم از تمام جهات و آثار مترتب بر جرایم قابل گذشت به‌عنوان قانون حاکم، تعیین و اعمال می‌گردد.

۲- یکی از مشخصه‌های قانون خوب، ثبات آن است. بسط و قبض شتاب‌زده سیاهه جرایم قابل گذشت بدون مطالعه عمیق و در نظر گرفتن تبعات آن، در یک بازه زمانی کوتاه چهارساله (۱۳۹۹-۱۴۰۳) در قالب تغییر ماده ۱۰۴ ق.م.ا، نه فقط از لحاظ اصل ثبات قانون، محل تأمل است، بلکه از لحاظ آثار این تغییرات پیاپی، چالش‌ها و ابهاماتی را برای دستگاه قضایی ایجاد کرده است. بنابراین، وقتی مقنن قانون را تغییر می‌دهد، بهتر است که تبعات آن مورد توجه قرار گیرد و در صورت نیاز، با تصریح در قانون، مانع از بروز شبهه و اختلاف نظر شود. برای مثال، ماده ۷۴ ق.م.ا (۱۳۹۲)، به عطف به ماسبق نشدن مقررات مربوط به مجازات‌های جایگزین حبس تصریح کرده و با این تدبیر، از اختلاف دیدگاه‌ها و لزوم بازنگری مجدد پرونده‌ها در دستگاه قضایی جلوگیری نموده است.

منابع و مأخذ

کتابها

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۱). *حقوق جزای عمومی*. جلد نخست، تهران: میزان.
۲. اردبیلی، محمد علی. (۱۴۰۲). *حقوق جزای عمومی*. جلد سوم، تهران: میزان.
۳. خالقی، علی (۱۴۰۲). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
۴. فراست، جعفر (۱۴۰۴). *سریع خوان شرح کاربردی ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی*. تهران: مشاهیر دانش.
۵. کانونیان، ناصر (۱۳۹۲). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. کامفر، بهداد (۱۴۰۳). *دوره پیشرفته آیین دادرسی کیفری*. تهران: اندیشه نوین پژوهش.

مقالات

۷. رستمی، هادی و برزگر، مه‌ری (۱۴۰۱). کمیته‌گرایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹) و چالش‌های فراروی آن. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۳ (۱)، ۷۵-۹۷.
Doi: 10.22124/jol.2022.19710.2148
۸. فتیلی، صادق؛ قدیری بهرام آبادی، رشید؛ صادق نژاد نائینی، مجید و نقدی دورباطی، مریم (۱۴۰۰). توسعه جرائم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس‌های تعزیری: بررسی کاربردی چالش‌ها و دستاوردها. *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۹ (۱۸)، ۲۸۱-۳۰۲.
Doi: 10.22034/jclc.2021.292817.1523
۹. کاظمی، سید سجاد و کاکوند، محمد. مطالعه تطبیقی مفاهیم «قابل گذشت و غیرقابل گذشت» در حقوق کیفری عرفی با مفاهیم «حق الله و حق الناس» در فقه امامیه. *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ۱۵ (۳۴)، ۲۴۵-۲۷۷.
Doi: 10.22034/law.2023.53929.3194
۱۰. کوشکی، غلامحسن و زندی، روح‌اله. چالش‌های عملی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در رویه قضایی با تأکید بر بزه کلاهبرداری و سرقت. *پژوهش حقوق کیفری*، ۱۲ (۴۵)، ۱۲۱-۱۵۲.
Doi: 10.22054/jclr.2024.70886.2535

منابع الکترونیکی

۱۱. خالقی، علی. یادداشت درباره زمان اثر قانون اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی. <https://www.ekhtebarebar.ir/?p=97822>
۱۲. طهماسبی، جواد. نکاتی پیرامون ماده واحده اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی. <https://www.mizanonline.ir/fa/news/4782567>
۱۳. نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه.
۱۴. آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور.